

# بررسی دیدگاه ماریا دکاکه درباره جنگ صفین در دائرة المعارف قرآن لیدن بر اساس نهج البلاغه\*

ریابه عزیزی<sup>۱</sup> / زهره اخوان مقدم<sup>۲</sup>

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی  
امامت پژوهی، سال یازدهم  
شماره دوم، شماره پیاپی ۳  
پاییز و زمستان ۱۴۰۰  
صفحه ۳۹۱ - ۴۲۰  
jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2022.300786.1344



copyright © the authors

## چکیده

دائرة المعارف قرآن لیدن کامل ترین مجموعه اسلامی موجود به زبان انگلیسی است که در پنج جلد و بالغ بر یک هزار مقاله سامان یافته است. مقاله «صفین» به عنوان یکی از مدخل ها در حیطه شیعه شناسی و تاریخ صدر اسلام، مشتمل بر نکات قابل نقد و در تعارض با منابع روایی است. از این رو پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی به نقد و بررسی آن بر اساس نهج البلاغه، شروع آن و منابع تاریخی پرداخته است. مطالبی ناروا همچون جهت گیری دوگانه امام علی (ع) در قصاص قاتلان عثمان به عنوان علت اصلی شروع جنگ، تشبیه نیرنگ عمرو عاص به رفتار امام (ع) در جنگ جمل، استفاده از لغات مبهم و دوپهلوی در توضیح جریان حکمیت و ناجوانمردانه شمردن قتل عثمان، از جمله نکات قابل بررسی مقاله «صفین» است. یافته ها نشان داد که خانم ماریا دکاکه نویسنده مقاله «صفین»، به کتاب نهج البلاغه که مهم ترین اثر در این موضوع است نپرداخته و حتی با وجود مراجعه به کتب تاریخی معتبر، به شیوه علمی و جامع نگرانه از آنها استفاده نکرده است. هم چنین استفاده از لغات مبهم و دوپهلوی در مقاله، موجب سوء تفاهم و مخدوش سازی چهره امام (ع) شده است.

**کلیدواژه ها:** نهج البلاغه، صفین، لیدن، استشراق، نقد تاریخی، خلافت ..

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴.

۱. کارشناسی ارشد تفسیر قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران. ro.azizi1992@gmail.com

۲. دانشیار، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

dr.zo.akhavan@gmail.com

## ۱. بیان مسئله

اسلام‌پژوهی و استشرق قدمتی طولانی دارد. اولین مطالعات مستشرقان در حوزه دین اسلام در قرن پانزدهم میلادی انجام گرفته است و این امر امروزه رشد چشمگیری داشته است. جالب آن‌که کتب و مقالات اولیه، به‌عنوان منابع دست‌اول و مرجعی برای تحقیقات بعدی (حداقل تا قرن نوزدهم میلادی) به حساب آمده است. کتابخانه شرقی نوشته بارتلمی دی هربلودی مولن ویل (د. ۱۶۹۵ م)<sup>۱</sup> از جمله این آثار است.<sup>۲</sup>

مستشرقان با سه هدف اصلی استعمار، غرض‌ورزی و دین‌پژوهی علمی و منصفانه،<sup>۳</sup> نه تنها در حوزه اسلام، بلکه درباره مذهب تشیع و کتب و آثار شیعی، که سرآمد آنها نهج البلاغه است، فعالیت‌هایی داشته‌اند. ترجمه نهج البلاغه به زبان‌های مختلف و گسترده‌ی تحقیقات سامان‌یافته درباره آن، نشان‌دهنده جایگاه مهم این کتاب است. تلاش‌های صورت‌گرفته در این راستا را می‌توان به سه دوره نخستین، میانی و متأخر تقسیم کرد. در دوره نخستین که مربوط به قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی است، مستشرقان از جنبه بلاغی-ادبی این کتاب را مورد بررسی قرار داده‌اند. در دوره میانی رویکرد مستشرقان بیشتر تشکیک در انتساب کتاب به امام علی علیه السلام می‌باشد. هرچه به قرن بیستم نزدیک می‌شویم این تشکیک رنگ می‌بازد؛ تا جایی که محققانی همچون م. عبدالجلیل فرانسوی، گیب،<sup>۴</sup> مختار جبلی، لورا وکسیا و اگلیری،<sup>۵</sup> و داد القاضی، طاهره قطب‌الدین و...

1. Barthelemy de Herbelot de Molain Ville

۲. احمدوند، عباس و مومنی هزاوه، امیر، «بارتلمی دی هربلو و کتابخانه شرق او»، تاریخ و تمدن اسلامی، ۲۱۷/۱۵.

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر رک: احمدوند، عباس، «گذری بر مطالعات شیعی در غرب»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۳؛ جهادی، محمد و صابریان، علی رضا و کهنساری، رضا، «بررسی و نقد دیدگاه مستشرقان درباره فضائل اهل بیت علیهم السلام»، پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ش ۳۷.

4. Gibb.

5. Lura vecchia vaglieri.

در صحت انتساب نهج البلاغه به امام علی علیه السلام شکی ندارند. البته مسلمان بودن برخی از آنان در اثبات اصالت کتاب و عدم تردید نسبت به انتساب آن به امام علیه السلام بی تأثیر نبوده است.<sup>۱</sup>

نهج البلاغه علاوه بر این که شامل مباحث اعتقادی، خداشناسی، اخلاق، آخرت و... است، بیان‌کننده وقایع تاریخی است و به دلیل ضبط دقیق وقایع و همخوانی آنها با کتب تاریخی، کمترین شبهه‌ها را (از نظر تاریخی) در ذهن مستشرقان ایجاد کرده است؛ به طوری که کیلفورد ادmond باسورث<sup>۲</sup>، خاورشناس انگلیسی، با این که تعیین اصالت نهج البلاغه را غیرممکن می‌داند اما بیان می‌دارد:

بی تردید، بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از کتاب، به ویژه بخش‌های تاریخی و خطب آن می‌تواند از سوی خود علی علیه السلام نگاشته شده باشد؛ زیرا در آن، عباراتی که اسناد یا سلسله ناقلانش به عصر حضرت بازمی‌گردد، موجود است.<sup>۳</sup>

با وجود این، برخی از مستشرقان از این کتاب غافل‌اند؛ به طور مثال، مقاله «صفین» در دائرةالمعارف قرآن لیدن<sup>۴</sup> که به بررسی واقعه تاریخی صفین پرداخته، به این کتاب توجهی نداشته و حتی با وجود استفاده از کتب تاریخی مهم، به صورت گزینشی به این مسئله پرداخته است. این در حالی است که بررسی کامل کتاب نهج البلاغه در این پژوهش نشان داد که ۳۵ خطبه و نامه آن مربوط به واقعه صفین است.

در واقع نوع نگرش و دیدگاه نویسندگان در مقاله «صفین»، موجب مخدوش‌سازی چهره امام علی علیه السلام، معرفی ایشان به عنوان شروع‌کننده اصلی جنگ و بی‌اهمیت

۱. احمدوند، عباس و کاوندی، سحر، «پژوهش‌های خاورشناسان درباره نهج البلاغه»، علوم حدیث، ۳ و ۴/ ۳۳۸-۳۳۳.

2. C.E. Bosworth.

۳. احمدوند، عباس و کاوندی، سحر، «پژوهش‌های خاورشناسان درباره نهج البلاغه»، علوم حدیث، ۳ و ۴/ ۳۳۶-۳۳۷.

4. Encyclopaedia of the Quran.

نشان دادن امام علیه السلام در مسئله قصاص قاتلان عثمان شده است. بدین جهت مقاله حاضر با هدف بررسی مقاله «صفین» با محوریت کتاب نهج البلاغه به روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی به سؤالاتی چنین است: علت شروع جنگ صفین چه بوده است؟ جهت گیری امام در برابر کسانی که خواهان قصاص قاتلان عثمان بودند، چگونه بوده است؟ شیوه مقاله «صفین» در بیان وقایع تاریخی چگونه است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

بررسی های انجام شده نشان می دهد که واقعه «جنگ صفین» با رویکردهای تاریخی، ادبی، سیاسی و جغرافیایی توسط پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مقاله های پژوهشی منتشر شده در زمینه جنگ صفین که براساس کتب تاریخی و روایی سامان یافته اند می توان به این موارد اشاره کرد: «فتنه در صفین» فلاح زاده (۱۳۷۷) به بررسی انگیزه معاویه از نبرد صفین و هم چنین اوضاع و شرایط اجتماعی سال ۳۷ قمری پرداخته است. «صفین در تاریخ نگاری ابن ابی الحدید» ناظمیان فرد (۱۳۹۴) رویداد صفین را از منظر تاریخ نگاری ابن ابی الحدید مطالعه کرده و براساس تحلیل های ابن ابی الحدید نتیجه گرفته است که صفین فتنه ای بوده که از تمرد معاویه در برابر امیرمؤمنان علیه السلام پدید آمده است. «صفین از منظر سه منبع تاریخی» ناظمیان فرد (۱۳۹۷) سه کتاب تاریخی به نام های الرسل و الملوک طبری، وقعة الصفین نصر بن مزاحم منقری و الفتوح ابن اعثم کوفی را بررسی کرده است. «بررسی تاریخی ابقاء یا عزل معاویه از سوی امام علی علیه السلام با استناد به نامه های ردوبدل شده» رستمی نجف آبادی نیز، به بررسی نامه های ردوبدل شده بین معاویه و امام علیه السلام مبنی بر عزل معاویه (قول قوی) و ابقای وی بر حکومت شام (قول ضعیف) می پردازد. «تأثیر کشتار صفین بر گسترش قاعدین» عباسی و وکیلی (۱۳۹۲) با استناد به شواهدی از منابع تاریخی، میزان تأثیرگذاری کشتار صفین بر رشد قاعدین و تأثیر قاعدین بر روند جریان صفین پرداخته است. از سوی دیگر، «گذری بر مطالعات شیعی در غرب» احمدوند (۱۳۷۷)، علل

کم توجهی مستشرقان به شیعه و منابع شیعی، مراحل گوناگون شیعه پژوهی در غرب از آغاز تاکنون و عوامل مؤثر بر آن را مدنظر قرار داده است. «بررسی و نقد دیدگاه مستشرقان درباره فضائل اهل بیت (علیهم السلام)» جهادی و دیگران (۱۳۹۹) ضمن بیان انگیزه‌ها و موضع‌گیری‌های مستشرقان راجع به فضائل اهل بیت (علیهم السلام)، یادآور شده است که عدم تسلط و آشنایی آنان با منابع اصیل و تاریخ غنی مکتب تشیع موجب برخی کاستی‌ها در تحقیقاتشان شده است. «حیات علمی امام علی (علیه السلام) از منظر اندیشمندان غیرمسلمان و مستشرقان» احمدی ندوشن (۱۳۹۰) ضمن بیان دو دیدگاه مثبت و منفی درباره حیات علمی امام (علیه السلام) نزد مستشرقان، به نقد دیدگاه دوم پرداخته است. «خاورشناسان و واقعه غدیرخیم» رضوی (۱۳۸۶) بیان‌کننده آن است که آن چه خاورشناسان درباره شیعه عرضه کرده‌اند، از طریق منابع غیرشیعی و با رویکرد وفاداری به سنت مسیحی-یهودی خودشان می‌باشد.

از جمله تحقیقات صورت‌گرفته درباره نهج البلاغه نیز می‌توان به این عناوین اشاره کرد: «پژوهش‌های خاورشناسان درباره نهج البلاغه» احمدوند و کاوندی (۱۳۸۷) بیانگر سیر مراحل، علل توجه و دستاوردهای مستشرقان درباره نهج البلاغه و هم‌چنین ورود مسلمانان مستشرق به حوزه نهج البلاغه شناسی است. فصل اول کتاب تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام نیز به نقد و بررسی مدخل «علی بن ابی‌طالب» می‌پردازد که در آن، مباحث مربوط به جنگ صفین به‌طور کلی آمده است.

بنابراین آن چه موجب تفاوت مقاله حاضر با پژوهش‌های پیشین می‌شود آن است که به بررسی و نقد مقاله «صفین» در دائرة المعارف قرآن لیدن پرداخته است؛ مقاله‌ای که با عدم توجه به نهج البلاغه (کتابی که بیانگر اندیشه، اعتقادات و جریان‌شناسی امامت و تفکر شیعی است) و استفاده از بیانی مبهم و دوپهلوی در نگارش، ابهاماتی همچون جهت‌گیری دوگانه امام (علیه السلام) در قصاص قاتلان عثمان، شروع‌کننده اصلی جنگ بودن امام (علیه السلام) و ناجوانمردانه کشته شدن عثمان را به وجود آورده و چهره امام (علیه السلام) به‌عنوان زمامدار حکومت اسلامی را مخدوش ساخته است.

### ۳. شناخت مفاهیم بنیادین

#### ۱-۳. نهج البلاغه

نهج البلاغه نام کتابی است شامل خطب، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی بن ابی طالب (د. ۴۰ ق) که توسط الشریف الرضی محمد بن الحسین بن موسی الأبرش (د. ۴۰۶ ق)، از عالمان اواخر قرن چهارم هجری قمری، گردآوری شده است.<sup>۱</sup> ترجمه این کتاب به زبان‌های مختلف و نگارش شروح متعدد بر آن، نشان‌دهنده جایگاه ویژه این کتاب نزد مسلمانان است. حدود ۳۹ ترجمه فارسی برای نهج البلاغه گزارش شده و در کتابنامه نهج البلاغه ۳۷۰ عنوان کتاب راجع به نهج البلاغه آمده است.<sup>۲</sup>

#### ۲-۳. دائرةالمعارف قرآن لیدن

دائرةالمعارف قرآن لیدن، دانشنامه‌ای از اصطلاحات قرآنی، شامل مفاهیم، شخصیت‌ها، مکان‌ها، تاریخ فرهنگی و تفاسیر گسترده است که مطالب آن از پراهمیت‌ترین موضوعات قرآنی است. این دانشنامه در سال ۲۰۰۱ میلادی در انتشارات بریل در لیدن هلند به چاپ رسیده و مشتمل بر یک هزار مدخل در پنج جلد به سرویراستاری جین دیمان ام سی الیف<sup>۳</sup> است. EQ نخستین اثر مرجع جامع و چندرسانه‌ای درباره قرآن می‌باشد که به زبان انگلیسی است.<sup>۴</sup>

#### ۱-۲-۳. معرفی نویسنده مقاله «صفین»

خانم ماریا ماسی دکاکه،<sup>۵</sup> محقق و مؤلف تاریخ تفکر اسلامی، مطالعات قرآنی، سنن شیعه و صوفی، تعالی و روحانیت زن و تجارب دینی است. وی دارای

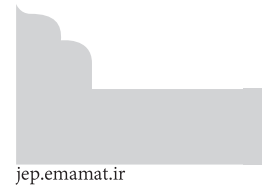
۱. جعفری، محمدتقی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۳۳.

۲. استادی، رضا، کتابنامه نهج البلاغه.

3. Jane Dammen McAuliffe.

۴. انتشارات بریل، «مشخصات دایرةالمعارف قرآن لیدن»، <https://brill.com/view/db/eqo>، تاریخ مراجعه: ۱۰/۴/۹۹.

5. Maria Massi Dekake.



jep.emamat.ir

۳۹۶

مدرک دکترای رشته مطالعات خاور نزدیک از دانشگاه پرایستون (۲۰۰۰ م)، مدرک کارشناسی ارشد رشته مطالعات خاور نزدیک از دانشگاه پرایستون (۱۹۹۸ م) و مدرک کارشناسی رشته حکومت از دانشگاه کرنل (۱۹۹۰ م) است. دکتر دکاکه یک پروژه مشترک نسبتاً بزرگی را برای تولید و چاپ در کمپانی «هاربرکالینز» با عنوان «مطالعه قرآن» به انجام رسانده است. گروه نویسندگان در کتاب مطالعه قرآن شامل سید حسین نصر، گنرکی. داگلی،<sup>۱</sup> ماریا ماسی دکاکه، محمد رستم و ژوزف لامبرد<sup>۲</sup> می باشد. این کتاب شامل تفسیر آیه به آیه از متن قرآن است که در نوامبر ۲۰۱۵ چاپ شده است. از دیگر آثار وی می توان به کتاب جامعه کاریزماتیک: هویت شیعه در صدر اسلام (۲۰۰۷)، مقاله «کتابت و مقاومت: انتقال دانش در شیعه نخستین» (۲۰۱۳)، مقاله «سرزمین مقدس در قرآن و حدیث و اهمیت نمادین و زمین شناسی آن» (۲۰۱۱) و مقاله «سطوح آگاهی ملاصدرا در تفسیر اصول کافی» (۲۰۱۱) اشاره کرد.<sup>۳</sup>

### ۲-۲-۳. مروری بر مقاله «صفین»

مقاله «صفین» در جلد پنجم (si-z) دائرةالمعارف قرآن لیدن در صفحات ۱-۲ به نگارش خانم دکاکه منتشر شده است که بررسی تاریخ تشیع از جمله شاخه های مطالعات علمی ایشان می باشد. اما بررسی مدخل نشان می دهد، با وجود استفاده از منابع تاریخی-روایی مهمی همچون شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، الکامل فی التاریخ ابن اثیر، الفتوح ابن اعثم کوفی، بدایه ابن اثیر، انساب الاشراف بلاذری، تاریخ خلیفه بن خیاط، تاریخ طبری، مروج مسعودی، وقعة صفین نصر بن مزاحم و تاریخ یعقوبی، مطالبی مطرح شده است که با منابع شیعی-سنی از جمله نهج

1. Caner K. Dagli.

2. Joseph Lombard.

3. انتشارات آمازون (نسخه انگلیسی)، «آثار علمی خانم دکاکه»، <https://www.amazon.com>؛ انتشارات آمازون (نسخه هندی)، «آثار علمی خانم دکاکه»، <https://www.amazon.in>؛ سایت مطالعات دینی، «بیوگرافی خانم دکاکه و مشخصات آثار»، <https://religious.gmu.edu/people/mdakakem>، تاریخ مراجعه: ۹۹/۴/۱۰.

البلاغه، شروع آن و کتب تاریخی متفاوت می نماید. هم چنین نویسنده در برخی موارد، تصمیم‌گیری علمی درباره نقل مطالب تاریخی نداشته که موجب استفاده از لغات دوپهلوی و مبهم شده است و این امر خوانندگان را از مسیر صحیح خارج می‌سازد. از این رو نقدهایی بر این مقاله وارد است که در ادامه می‌آید.

#### ۴. نکات قابل نقد در مقاله «صفین» از خانم دکا که

از جمله نکات قابل نقد مقاله مذکور چنین است: ۱. بیان جهت‌گیری دوگانه امام در قصاص قاتلان عثمان به عنوان علت اصلی شروع جنگ؛ ۲. تشبیه کردن نیرنگ عمرو عاص به رفتار امام علیه السلام در جنگ جمل؛ ۳. استفاده از لغات مبهم و دوپهلوی در توضیح جریان حکمیت؛ ۴. ناجوانمردانه شمردن قتل عثمان.

#### ۴-۱. بیان جهت‌گیری دوگانه امام در قصاص قاتلان عثمان به عنوان علت

##### اصلی جنگ

بنا بر منابع روایی-تاریخی، امام علی علیه السلام در آغاز حکومت خود، نامه‌هایی برای سرزمین‌های تحت ولایت اسلام به منظور بیعت می‌فرستد. سرزمین شام نیز یکی از آنها است که حکمران آن معاویه بن ابی سفیان (د. ۶۰ ق) بود. با ارسال اولین نامه از سوی امام و عدم اطاعت معاویه، نامه‌هایی بین امام علیه السلام و معاویه ردوبدل می‌شود. بررسی این نامه‌ها نشان از تقابل و مخالفت جدی معاویه با امام علیه السلام و عدم تبعیت وی از ایشان در مسئله بیعت دارد. این نامه‌نگاری‌ها تا اواخر جنگ صفین ادامه دارد.

معاویه که توسط دو خلیفه پیشین به حاکمیت منطقه شام (سوریه) برگزیده شده و یک حکومت قدرتمند و خودمختار تشکیل داده بود، پس از قتل عثمان و گرفتن زمام خلافت توسط حضرت علی علیه السلام، انتظار داشت که آن حضرت حکم حکومت وی را در شام تأیید و امضا کند. البته از سوی دیگر، به دلیل اعمال فاسد خود و چپاول حقوق مردم احتمال می‌داد که حضرت وی را از حکومت شام برکنار کند. او هم چنین پس از قتل عثمان، هوس خلافت در سر داشت. از این رو برای به دست گرفتن برگ‌های برنده سیاسی-اجتماعی حکومت، راضی به کشته شدن



عثمان توسط مردم شد و خود عمداً به یاری عثمان در شکستن حلقه محاصره وی نشستافت تا قتل عثمان اتفاق افتاد. معاویه نیز با نیرنگ و خدعه، امام علیه السلام را مسئول اصلی قتل خلیفه معرفی کرد.<sup>۱</sup>

این مسئله توسط خانم دکاکه نیز بیان شده است، ولی ایشان برداشتی متفاوت از علت اصلی نامه‌های ردوبدل شده بین امام و معاویه دارد. نویسنده ضمن بیان نامه‌های اشاره شده می‌نویسد:

معاویه که با عزل و برکناری خود از جانب علی روبه‌رو شده بود، تصمیم گرفت تا رهبری ائتلاف بزرگان مذهبی مدینه (شورا) را که به تازگی شکست خورده بودند، به دست گیرد. آنها از علی تقاضا کرده بودند که قاتل خلیفه سابق (عثمان بن عفان "د. ۳۵ ق") را مجازات کند، اما علی خون‌خواهی را رد کرده و از انجام آن سرباز زده و جهت‌گیری دوگانه‌ای را نشان داده بود. منابع حاکی از آن است که پس از تعدادی نامه که بین دوره‌بردوبدل شد، جنگ بین ارتش غالباً عراقی علی و حامیان نسبتاً گسترده سوری معاویه در هشتم صفر ۳۷ در صفین، واقع در نزدیک رقهه، کنار رودخانه فرات در شمال عراق صورت گرفت.<sup>۲</sup>

نوع نگرش یا اطلاعات کم نویسنده موجب شده است تا به مسئله نامه‌نگاری‌ها و تقاضای معاویه بر قصاص قاتلان عثمان اشاره کند، ولی به تقاضای امام علیه السلام به عنوان خلیفه حکومت اسلامی، مبنی بر بیعت با ایشان اشاره‌ای نکند. به عقیده نگارندگان، مقاله «صفین» این گمان و ظن را به وجود می‌آورد که امام علی علیه السلام علاقه و اهمیتی به قصاص قاتلان عثمان نشان نداده و حق با معاویه بوده است که اعتراض کند و نهایتاً این‌طور نتیجه‌گیری می‌شود که علت جنگ، سرباززدن امام از مسئله قصاص و بهانه‌جویی از جناب امام علیه السلام بوده است. در حالی که

۱. قدردان فراملکی، محمدحسن، «جنگ‌های سه‌گانه امام علی علیه السلام (علل و مشروعیت آنها)»، معرفت، ۳۸/۶۵.

2. Mc Auliffe, Jane Dammen, Encyclopedia of the Quran, Safin, 5/1.

مطالعه نامه‌نگاری‌ها در مقاله «صفین در تاریخ‌نگاری ابن ابی‌الحدید» به روشنی  
براین مطلب دلالت می‌کند که خون‌خواهی عثمان از سوی معاویه، تنها بهانه‌ای  
برای کسب قدرت در شام بود.<sup>۱</sup> طه حسین (د. ۱۹۷۳ م) نیز به بهانه‌جویی معاویه  
اشاره دارد و می‌نویسد:

اختلاف معاویه و علی بر سر این موضوع بود که معاویه مطالبه خون  
عثمان را می‌کرد و می‌خواست که علی قاتلین او را تسلیم وی کند.  
علی، قاتلین معینی را برای عثمان نمی‌شناخت و نمی‌توانست تمام  
کسانی را که بر عثمان شوریدند و او را به قتل رساندند، به معاویه  
تسلیم کند.<sup>۲</sup>

پس مطالبه خون عثمان، فقط بهانه خوبی برای عدم تبعیت از امام علیه السلام و بیعت نکردن  
با خلیفه وقت بود.

بنابر نقل شارحان و تاریخ‌نویسان، امیرالمؤمنین علیه السلام در آغاز خلافت خود، نامه‌ای  
به معاویه بن ابی‌سفیان می‌نویسد. امام در ابتدای نامه، پس از حمد و ثنای الهی،  
اشاره‌ای کوتاه به ماجرای قتل عثمان می‌کند و می‌فرماید:

حادثه‌ای اتفاق افتاد (قتل عثمان) که چاره‌ای جز آن نداشت. سخن  
در این زمینه بسیار است. پس برای بیعت با من، با همراهان خود نزد  
من بیا.<sup>۳</sup>

معاویه در پاسخ، نامه‌ای سفید برای حضرت می‌فرستد که در آن نوشته بود از  
معاویه بن ابی‌سفیان به علی بی‌ابی طالب. امام علیه السلام از پیک، منظور نامه را جویا  
می‌شود. وی در جواب می‌گوید: من از نزد مردمی می‌آیم که اعتقاد دارند شما قاتل  
عثمان هستید و تا تورا به قصاص آن نکشند، راضی نخواهند شد.<sup>۴</sup>

۱. رک: ناظمیان فرد، علی، «صفین در تاریخ‌نگاری ابن ابی‌الحدید»، تاریخ‌نگاری و  
تاریخ‌نگری، ش ۱۵.

۲. طه حسین، علی و فرزندانش، ص ۱۰۴.

۳. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغه، نامه ۷۵.

۴. بلاذری، احمد، انساب الاشراف، ۲/۲۱۱-۲۱۲.



این نامه، آغازی برگفتگوها و نامه‌های ردوبدل شده بین امام علیه السلام و معاویه است. مضامینی شبیه به آن را می‌توان در نامه‌های ۲۸، ۵۵، ۵۸ و ۶۴ نهج البلاغه مشاهده نمود که در تمامی آنها، امام مسئله بیعت را مطرح می‌نماید و معاویه به صراحت مسئله قتل عثمان را می‌گوید؛ به طور مثال، امام علیه السلام در نامه ۵۵، دنیا را محل موقتی می‌داند که وسیله‌ای برای رسیدن به آخرت است و تمام آزمایش‌های دنیا برای تشخیص آن است که چه کسی دارای بهترین عمل است. سپس می‌فرماید: خداوند مرا به وسیله تو و تو را به وسیله من در معرض امتحان قرار داده و یکی از ما را بردیگری حجت قرار داده است. پس تو با تأویل قرآن برای به دست آوردن دنیا تاختی و از من چیزی را مطالبه می‌کنی که هرگز دست و زبانم به آن آلوده نشده است و تو و اهل شام آن را دستاویز کرده و به من نسبت داده‌اید.

توضیح ابن ابی‌الحدید از «تأویل القرآن»<sup>۱</sup> استناد به سوره‌ی اسراء، آیه ۳۳ و توضیح ابن‌میثم از «تأویل القرآن»<sup>۲</sup> استناد به سوره‌ی بقره، آیه ۱۷۸ است.<sup>۳</sup> این آیات هر دو از آیاتی است که دلالت بر قصاص قاتل می‌کند. معاویه با تأویل این آیات، خود را در طلب قصاص قاتلان عثمان، برحق و ولی‌دم می‌شمرد؛ ولی امام این تهمت را رد می‌کند و آن را دستاویزی می‌داند که موجب تشویق و تحریک مردم شام برای جنگ با امام است.<sup>۴</sup> در واقع امام علیه السلام با این سخن، نیت اصلی معاویه را برملا می‌سازد و نشان می‌دهد که این سخن، فقط کارکرد تبلیغاتی دارد و موجب تحریک احساسات عوام بر علیه امام علیه السلام می‌شود.

هم‌چنین معاویه در یکی از نامه‌های ارسالی به امام علیه السلام مطالبی درباره‌ی شخصیت و بزرگی مقام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، یاران ایشان، مهاجران و انصار و مطالبی راجع به

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۱۳۶/۱۷.

۲. بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ۱۹۱/۵.

۳. «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء: ۳۳)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ» (بقره: ۱۷۸).

۴. خویی، حبیب‌الله و همکاران، منهاج البراعة، ۳۳۲/۲۰.

خویشاوندی اش با عثمان می‌گوید. امام ع نیز در نامه ۲۸ چنین پاسخ می‌دهند:  
تو در مقامی نیستی که درباره پیامبر خدا، بزرگان و شهدای دین اسلام  
صحبت کنی. پس اینها ارتباطی به توندارد.<sup>۱</sup>  
ولی در زمینه خویشاوندی معاویه با عثمان می‌فرماید:

کدام یک از ما دشمن عثمان بود؟ آیا کسی که او را یاری کرد و به  
نشستن و رسیدگی به امور مسلمانان توصیه و تشویق نمود و از مردم  
خواست از هجوم به او خودداری کنند یا کسی که عثمان از او یاری  
خواست و او آن قدر سستی و تأخیر ورزید و عوامل مرگ را به سوی او  
سرازیر کرد تا آن سرنوشت بر سرش آمد؟!!

توضیح این‌که، عثمان بن عفان امام ع را دشمن خود می‌دانست و او را متهم  
می‌کرد که در کار وی دخالت دارد. لذا هنگامی که در محاصره شدید قرار گرفت،  
حضرت آماده یاری وی شد، ولی عثمان به امام گفت: نیازی به یاری توندارم.  
فقط دست از من بردار و علیه من کاری مکن. سپس کسی را به شام فرستاد و  
معاویه را به یاری خود طلب کرد. او هم پیوسته وعده یاری می‌داد، اما جهت  
کشته شدن او و فرمانروایی خودش، نصرت و یاری را به تأخیر می‌انداخت. امام  
در این نامه نشان می‌دهد که معاویه از جمله کسانی است که در خون عثمان  
دخالت داشته است. پس چگونه می‌تواند ادعای قصاص قاتلان عثمان را داشته  
باشد؟! این میثم چنین استدلال می‌کند:

معاویه! تو کسی هستی که عثمان از تو کمک خواست، ولی یاری اش  
نکردی. پس هرکس چنین باشد، سزاوار است که گفته شود کوشش  
در قتل عثمان داشته و مسئول خون وی می‌باشد.<sup>۲</sup>  
با آن چه بیان شد، روشن شد که امام در زمان حیات عثمان، میل کمک به او را  
داشت، ولی وی علاقه‌ای به کمک امام نداشت. امام حتی در بیانات خود، نیت

۱. بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ۴/۴۴۴.

۲. همان.

اصلی معاویه از بیان «تحویل قاتلان عثمان» را مطرح می‌کند و می‌فرماید:  
تو درباره قاتلان عثمان زیاد سخن گفتی. بیا نخست همچون سایر مردم با من بیعت کن؛ سپس درباره آنها (قاتلان عثمان) نزد من طرح شکایت نما تا من بر طبق کتاب الله میان تو و آنها داوری کنم. اما آن چه را تومی خواهی همچون خدعه و فریب دادن طفلی است که در آغاز از شیربازگرفتن است.<sup>۱</sup>

محقق معاصر معتقد است: مسئله قصاص باید در حضور حاکم شرع و بعد از طرح دعوا و اثبات آن باشد. کسی که هنوز حکومت اسلامی را به رسمیت نشناخته است، چگونه می‌تواند چنین تقاضایی کند.<sup>۲</sup>

بهره‌گرفتن از ضرب‌المثل‌ها برای بیان مقاصد و اهداف دشمن و هم‌چنین راهنمایی امت، در سخنان امام علیه السلام همیشه پررنگ بوده است. در این نامه نیز امام از ضرب‌المثل:

«تِلْكَ الَّتِي تُرِيدُ فَإِنَّهَا خُدْعَةُ الصَّبِيِّ عَنِ اللَّبَنِ فِي أَوَّلِ الْفِصَالِ»؛ آن چه را تومی خواهی همچون خدعه و فریب دادن طفلی است که در آغاز از شیربازگرفتن است.<sup>۳</sup>

استفاده می‌کند و به امت و معاویه هشدار می‌دهد که

معاویه به نام خون‌خواهی عثمان می‌خواهد تا حکومت شام را به وی وا گذارم و خون عثمان بهانه و دستاویزی برای پیشبرد اهدافش است.<sup>۴</sup>  
پس معاویه قصد بیعت با امام را نداشته و می‌خواسته است به بهانه قصاص، امام را متهم نماید تا نظرشورا (یعنی تقاضاکنندگان قصاص قاتلان عثمان) را به خود جلب کند و از تحویل شام به امام خودداری کند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده مدخل، خوانش دقیقی از جریانات

۱. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغه، نامه ۶۴.

۲. مکارم شیرازی، ناصرو دیگران، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۲۸۲/۱۱.

۳. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغه، نامه ۶۴.

۴. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ۱۰۵۸/۵؛ منتظری، حسینعلی، درس‌هایی از نهج البلاغه، ۴۶۰/۱۴.

جنگ صفین نداشته و نامه‌های بین امام و معاویه را به خوبی بررسی نکرده و این امر موجب اشتباه وی در نتیجه‌گیری از علت اصلی جنگ صفین شده است؛ چون اولاً، درخواست قصاص از جانب معاویه، بهانه‌ای بیش نبود. ثانیاً، نیت اصلی معاویه از این کار، تهمت به امام بود تا از این طریق، بیعت نکنند؛ زیرا در صورت بیعت، مجبور می‌شد از حکومتش دست بکشد. ثالثاً، به فرموده امام علیه السلام افراد زیادی از جمله بزرگان شهر مانند طلحه، زبیر، عایشه و نیز بسیاری از مردم عادی، در قتل عثمان شرکت داشتند.<sup>۱</sup> رابعاً، بر اساس نامه‌های رد و بدل شده، عثمان از معاویه درخواست کمک کرده بود، ولی معاویه سرباز زده بود. خامساً، چنانچه خواهد آمد، خود عثمان در ماجرای پیش آمده مقصر بود و حقوق مردم را ضایع کرده بود؛ به طوری که برای عامه مردم قابل تحمل نبود.

ادعای خون خواهی خلیفه مقتول از سوی معاویه و تقاضای تحویل قاتلان به وی، بهانه‌ای بیش برای توجیه و سرپوش اعمالش نبود؛ چون اولاً، در زمان محاصره دارالاماره عثمان توسط مخالفان، که قریب به دو ماه طول کشید، معاویه با وجود قدرت لازم، به تقاضای کمک عثمان هیچ وقعی ننهاد و بدین سان علاقه‌اش را به قتل عثمان نشان داد. ثانیاً، اتهام مشارکت حضرت در قتل عثمان، کذب محض است؛ زیرا حضرت، هم خودش کوشش‌های فراوان نمود تا شورشیان را از قتل باز دارد و هم سعی نمود با فرستادن دو فرزندش، امام حسن و امام حسین علیهما السلام به دارالاماره به عنوان محافظان خلیفه، از قتل او جلوگیری فرماید. ثالثاً، کسی که محرک قتل عثمان بود، امام نبود، بلکه عایشه و طلحه و زبیر بودند که فریاد «وای سنت پیامبر» سر می‌دادند و عایشه بود که صراحتاً حکم به قتل عثمان می‌داد (أقتلوا نعثلاً). اصل تقاضای معاویه هم مشروعیت و اعتبار ندارد؛ زیرا با وجود خلیفه‌ای که همه مردم با او بیعت کرده‌اند، نوبت به دیگری نمی‌رسد.<sup>۲</sup>

۱. یعقوبی، احمد، تاریخ، ۱۷۵/۲؛ مفید، محمد بن محمد، الجمل، ص ۱۴۵؛ ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة، ۵۳/۱-۵۴.  
۲. قدردان قراملکی، محمدحسن، «جنگ‌های سه‌گانه امام علی علیه السلام (علل و مشروعیت آنها)»، معرفت، ۳۹/۶۵-۴۰.

#### ۴-۲. تشبیه نیرنگ عمرو بن عاص به رفتار امام علیه السلام در جمل

از ملزومات تحلیل یک واقعه تاریخی، آگاهی نسبت به شخصیت‌های آن واقعه است و عدم توجه به این امر، موجب برداشت ناصحیح نسبت به واقعه و شخصیت‌های حاضر در آن می‌شود. به علاوه، هنگام مقایسه دو چیز یا دو شخص، باید وجوه شباهتی موجود باشد تا امکان مقایسه فراهم آید؛ نه این‌که به مجرد مختصر شباهتی، آن هم در ظواهر امر، دو حادثه یا دو شخص مقایسه شوند. خانم دکاکه، نویسنده مدخل، این موضوع مهم را نادیده گرفته است؛ آن‌جا که نگاشته است:

با توجه به نقل‌های گوناگون، جنگ دوالی سه روز به درازا کشید که در پایان به نفع علی بود. معاویه برای جلوگیری از شکست احتمالی، به پیشنهاد عمرو بن عاص (د. ۴۳ ق)، به سپاهیانش دستور داد تا نسخه‌هایی از قرآن را بالای نیزه‌ها قرار دهند و خواستار داوری بر اساس کتاب خدا باشند.

نویسنده در ادامه نوشته است: «قرآن به نیزه کردن تقلیدی از رفتار علی در جنگ جمل بوده است»<sup>۱</sup>. او بدین صورت، نیرنگ عمرو عاص در ماجرای به نیزه کردن قرآن‌ها را به رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل تشبیه کرده است.

ماجرای جمل، بنا بر کتب تاریخی چنین بوده است که امام علی علیه السلام قبل از آغاز جنگ جمل، سپاهیان بصره را به قرآن دعوت می‌کند. جوانی از سپاه امام، نزد اصحاب جمل می‌رود و می‌گوید:

ای مردم! این کتاب خداوند متعال بین ما و شما است. پس مردی از اصحاب جمل، دست راست او را قطع می‌کند. او مصحف را به دست چپ می‌گیرد. سپس دست چپش را نیز قطع می‌کنند. دوباره مصحف را در آغوش خود می‌گیرد و در آخر سینه او را نشانه می‌روند تا این‌که کشته می‌شود.<sup>۲</sup>

1. Mc Auliffe, Jane Dammen, Encyclopedia of the Quran, «Safin», 5/1.

۲. بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ۴۷۲/۲-۴۷۳؛ مسعودی، علی، مروج الذهب، ۳۶۱/۲.

آیا این عمل، به معنای قرآن برنیزه کردن است؟!

امیرالمؤمنین علیه السلام نه تنها در جنگ جمل سپاه مقابل را به کتاب خدا دعوت نمود، بلکه در جنگ صفین نیز این کار را انجام داد. به گفته ابن ابی الحدید، امام چون نمی خواست آغازگر جنگ باشد، ابتدا قرآنی را به دست یکی از یارانش داد تا شامیان را به آن فراخواند و این آخرین اتمام حجت با آنها بود.<sup>۱</sup> این فرد، مرثد بن حارث جُشمی (د. ۳۷ ق) بود. امام وی را نزد سپاه شام فرستاد تا حامل این پیام باشد:

همانا من با شما اتمام حجت می کنم که به حق بازگردید و توبه کنید و با کتاب خدا به شما احتجاج می کنم و استدلال می کنم. پس به سوی کتاب خدا بازگردید و اگر از سرکشی دست بردارید و به حق بازنگردید با عدالت با شما رفتار خواهم کرد و خداوند خائن را دوست نمی دارد.

در این هنگام، سپاه شام مرثد بن حارث جُشمی را تیرباران می کند و این گونه جنگ آغاز می شود.<sup>۲</sup> بنا بر نقل تاریخ طبری، امام علی علیه السلام در روز جمل، صفین و نهر روان نیز مردم را از جنگ برحذر داشت و آنان را به صلح و آشتی فراخواند.<sup>۳</sup> در واقع، هدف و نیت امام از دعوت به کتاب خدا در دو جنگ جمل و صفین، حفظ اسلام و جامعه مسلمان و اتمام حجت بوده و این کار در آغاز جنگ بوده است، نه در پایان آن و نه در هنگامی که بوی شکست به مشام برسد! ولی هدف معاویه و عمرو بن عاص در جنگ صفین، نیرنگ و حيله برای جلوگیری از شکست بود. لذا در آغاز جنگ، سخنی از قرآن به میان نیاوردند.

باید خاطر نشان کرد که دعوت گروه متخاصم به اسلام و کتاب خدا، جزئی از

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۱۳۱/۵.

۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ، ۱۰/۵؛ خویی، حبیب الله و همکاران، منهاج البراعة، ۲۳۷/۱۵.

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ، ۱۱/۵؛ احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمة علیهم السلام، ۲۲۰/۲.



سلوک و رفتار امام علیه السلام است. درنگ و بردباری امام در شروع جنگ، در نهج البلاغه نیز بیان شده است. ایشان در برخورد با صفوف دشمن، همیشه تأمل و درنگ را جایگزین عجله می‌کردند تا اتمام حجتی بر آنان باشد؛ به طوری که این روش، مورد نقد برخی از یاران قرار می‌گرفت.<sup>۱</sup>

بنابراین نویسنده مقاله «صفین» در دایرةالمعارف، بدون در نظر گرفتن اتفاقات گذشته و جنگ‌های پیشین امیرالمؤمنین علیه السلام و ویژگی‌های شخصیتی و سلوک رفتاری ایشان و نیز بدون در نظر گرفتن روحیات و اخلاق عمرو عاص که در تاریخ به نیرنگ و حيله‌گری معروف است، این دو رفتار را به هم تشبیه کرده است. نگارنده مقاله، خانم دکاکه، شواهد کافی برای مدعای خود اقامه نکرده و حتی در منابع اهل سنت هم نمی‌توان چنین نتیجه‌گیری‌ای را مشاهده کرد. جالب توجه آن‌که، خانم دکاکه خود تصریح می‌کند که آخر حکمیت نیز، کار با خدعه و نیرنگ پایان پذیرفت؛ آن‌جا که می‌نویسد: «دومین ملاقات در اذرح که به ظاهر توسط علی تأیید نشد، با یک مکر و خدعه پایان یافت».

مقاله خانم دکاکه، عدم مشروعیت اعمال معاویه را به خواننده منتقل نمی‌کند؛ بحثی که در تاریخ اسلام بسیار مفصل است و دلایل روایی متعدد و متقنی دارد. پیش‌بینی‌های فراوان پیامبر صلی الله علیه و آله که جنگ‌های علی علیه السلام را با برخی جزئیات توضیح داده بودند و صریحاً به قتل «جناب عمار» به دست یاغیان اشاره فرموده بودند، نادیده گرفته شده است.<sup>۲</sup> اما ادعای خون‌خواهی خلیفه مقتول توسط معاویه و تقاضای تحویل قاتلان به وی، بهانه‌ای بیش برای توجیه اعمال معاویه نبود. در تبیین این سخن به نکاتی اشاره می‌شود:

۱- در زمان محاصره دارالاماره عثمان توسط مخالفان، که قریب به دو ماه طول کشید، معاویه با وجود قدرت لازم، به تقاضای کمک عثمان هیچ‌وقعی ننهاد و بدین سان علاقه‌اش به قتل وی را نشان داد.

۱. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغه، خطبه ۵۵.

۲. رک: قدران قراملکی، محمد حسن، «جنگ‌های سه‌گانه امام علی علیه السلام (علل و مشروعیت آنها)»، معرفت، ش ۶۵.



۲- اتهام مشارکت حضرت در قتل خلیفه از سوی معاویه، کذب محض است. حضرت شخصاً کوشش‌های بسیاری نمود تا شورشیان را از قتل خلیفه بازدارد و سعی کرد با فرستان دو فرزند خود، امام حسن و امام حسین علیهما السلام به دارالاماره به عنوان محافظ خلیفه، از قتل وی جلوگیری کند.<sup>۱</sup>

۳- طلحه و زبیر، هم‌چنین عایشه، هرسه از محرکان مردم به شورش و مخالفت با عثمان بودند و فریاد «وای ستت پیامبر» سر می‌دادند. عایشه آشکارا حکم به قتل عثمان می‌داد.<sup>۲</sup>

۴- اصل تقاضای تحویل قاتلان عثمان به معاویه نیز فاقد مشروعیت و اعتبار است؛ زیرا اولاً، اگر قرار بر خون‌خواهی و محاکمه قاتلان باشد، با وجود خلیفه مشروع الهی و مردمی، هم‌چنین اولیای دم، نوبت به معاویه نمی‌رسد. ثانیاً، تحویل قاتلان به معاویه به نوعی رسمیت بخشیدن به حکومت وی در شام بود؛ در حالی که وی یک حاکم مخلوع و معزول از طرف حضرت بود که حکم یاغی پیدا کرده بود. به تعبیر خود امام علیه السلام، راه قانونی حل مسئله، نخست بیعت معاویه و اعلام تبعیتش از حضرت بود تا پس از آن معاویه ادعای خود را در دادگاه مطرح کند.

### ۳-۴. استفاده از لغات مبهم و دوپهلوی در جریان حکمیت

یکی از ابزارهای مورد نیاز برای پژوهش در ادیان، آگاهی به زبان و فرهنگ آن دین و استفاده از منابع دست اول علمی است، تا بتوان درکی صحیح از متون و اسناد داشت. برخی از مستشرقان از این امر غافل‌اند؛ به عنوان مثال، خانم دکاکه در شرح واقعه جنگ صفین می‌نویسد:

با توجه به نقل‌های گوناگون، جنگ دوالی سه روز به درازا کشید که در پایان به نفع علی بود. معاویه برای جلوگیری از شکست احتمالی، به پیشنهاد عمرو بن عاص، به سپاهیان‌ش دستور داد تا نسخه‌هایی از قرآن را بالای نیزه‌ها قرار دهند.<sup>۳</sup>

۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۲/۲۳۳.

۲. مفید، محمد بن محمد، الجمل، ص ۱۴۵-۱۴۸.

3. Mc Auliffe, Jane Dammen, Encyclopedia of the Quran, Safin, 5/1.

به نظر نویسندگان مقاله حاضر، خانم دکا که در بهره‌گیری و استفاده دقیق از منابع، دقت لازم را نداشته است. از سویی بیان می‌کند که جنگ به نفع امام علیه السلام بود و از سوی دیگری نویسد که معاویه برای جلوگیری از شکست «احتمالی»، دستور به نیزه کردن قرآن‌ها را داد. در صورتی که از مسلمات تاریخی است که جنگ به نفع امام بود و معاویه برای جلوگیری از شکست حتمی، از نیرنگ به نیزه کردن قرآن‌ها استفاده کرد. لذا استفاده نویسنده از واژه «احتمالی» چنین برداشتی را به خواننده القا می‌کند که معاویه، پیروز میدان بوده است.

استفاده نویسنده مدخل از لغات مبهم، در ادامه مقاله نیز مشاهده می‌شود. وی در جایی دیگر می‌نویسد:

علی در ابتدای امر برای پذیرش حکمیت بی‌میل بود، اما سرانجام زیر فشار بعضی از صحابه و قاریان عراقی، و حتی تهدید به قتل، آن را پذیرفت.<sup>۱</sup>

بنا بر کتب تاریخی و شروح نهج البلاغه، در لیلۃ الیهیر، زمانی که سپاه شام قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها آورد و مردم را به حکم قرآن خواند، امام فرمودند: ای بندگان خدا، من از هر کس دیگری به پاسخگویی بدین دعوت و پذیرفتن حکم قرآن شایسته‌ترم؛ ولی معاویه و سپاهش نه اهل دین و نه مرد قرآن‌اند. من از کودکی تا به امروز با آنها همنشین بوده‌ام و می‌دانم این شعاری که سر داده‌اند، «کلمه حقی است که باطل از آن اراده شده است». به خدا سوگند، قرآن را دستاویز خدعه و نیرنگ ساخته‌اند. تأمل داشته باشید که حق به نقطه حساس خود رسیده است و چیزی نمانده که ستمکاران در هم شکسته شوند. در این لحظه، بیست هزار تن مسلح آهن پوش پیش آمدند و امام را فقط به نام، نه به عنوان امیرمؤمنان، آواز دادند و گفتند:

ای علی! جواب قوم را بده و موافقت کن؛ وگرنه همان طور که ابن عفان را کشتیم، تورا نیز می‌کشیم.<sup>۲</sup>

۱. همان.

۲. منقری، نصر، وقعة صفین، ص ۴۸۹-۴۹۰؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۲/ ۲۱۷-۲۱۸.

بنا بر آن چه آمد، امام علی علیه السلام مخالف عقب نشینی بودند. به عقیده ایشان چیزی نمانده بود تا سپاه اسلام بردشمن شامی چیره و پیروز شود. اگر این امر اتفاق می افتاد، نیازی به حکمیت نبود. در واقع ایشان با بیان عبارت «حق به نقطه حساس خود رسیده و چیزی نمانده که ستمکاران در هم شکسته شوند» نشان دادند که کاملاً مخالف حکمیت هستند، نه این که تنها «بی میل» باشند. بی میلی به یک عمل، با مخالفت شدید، تفاوت جدی دارد. باید گفت فشار سپاهیان موجب پذیرش حکمیت از روی اجبار شد. لذا امام علیه السلام فرمودند:

من دیروز امیر و فرمانده بودم، ولی امروز فرمانبر شدم! دیروز من شما را نهی می کردم، ولی امروز شما مرا نهی می کنید.<sup>۱</sup>

وقتی نتیجه حکمیت معلوم شد، امام علیه السلام در خطبه ای سراسر ضرب المثل و داستان های حکمت آموز شروع به سرزنش سپاهش نمود و دوباره خاطر نشان ساخت که پذیرش حکمیت از اول اشتباه بوده است. ایشان فرمودند: «سریچی از ناصح مهربان عالم با تجربه، موجب سرگردانی می گردد و پشیمانی به بار می آورد»<sup>۲</sup> چون

«وَقَدْ كُنْتُ أَمَرْتُكُمْ فِي هَذِهِ الْحُكُومَةِ أَمْرِي وَ نَخَلْتُ لَكُمْ مَخْرُونَ  
رَأْيِي»؛ من درباره حکمیت فرمان خود را به شما گفتم و نظر خالص و روشن خود را در اختیار شما گذاردم.

کلمه «نخل» به معنای غریبال کردن و جدا کردن ناخالصی ها، کنایه از رأی محکم، استوار و خالص است. به عقیده ابن میثم، نیکوترین و سودمندترین نظر آن است که از ناخالصی های شهوت و خشم به دور باشد و رأی امام در جریان حکمیت، به دور از هر پیرایه ای بود؛<sup>۳</sup> چون امام از روز اول نتیجه را می دانستند و به همین جهت مخالف حکمیت بودند.<sup>۴</sup>

۱. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغه، خطبه ۲۰۸.

۲. همان، خطبه ۳۵.

۳. بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ۸۶/۲.

۴. خوبی، حبیب الله و همکاران، منهج البراعة، ۸۷/۴.

حضرت در ادامه فرمودند:

«فَأَيُّكُمْ عَلَيَّ إِبَاءَ الْمُخَالِفِينَ الْجُفَاءَ وَالْمُنَابِذِينَ الْعَصَاةَ حَتَّى  
أَزْطَابِ النَّاصِحِ بِنُصْحِهِ»؛ شما مانند مخالفان جفاکار و عصیانگران  
پیمان شکن از قبول سخن من امتناع کردید؛ تا آن جا که گویی نصیحت  
کننده در پند خویش به تردید افتاد و از ادامه اندرز خودداری کرد.

این جمله به روشنی نشان می دهد که ایشان برافراشتن پرچم ها را خدعه ای بیش  
نمی دانستند، ولی سپاهیان بر حکمیت اصرار می کردند. امام علیه السلام حتی هنگام  
انتخاب داور، مالک اشتر (د. ۳۹ ق) را معرفی کردند، ولی آنان مخالفت کردند.  
سپس ایشان ابن عباس (د. ۶۸ یا ۶۹ ق) را برای داوری پیشنهاد دادند و دوباره  
سپاهیان مخالفت کردند و به اصرار خود، ابوموسی (د. ۵۲ ق) را انتخاب کردند.<sup>۱</sup>  
به تعبیر آیت الله مکارم شیرازی

منظور از «المخالفين العصاة» این نیست که مخالفت سپاه با امام به  
خاطر سوء تشخیص بوده، بلکه آمیخته با نوعی جفاکاری و گردنکشی  
است. پس امام می فرماید: این مخالفت ها چنان پر جوش و خروش بود  
که من چاره ای ندیدم جز این که سکوت اختیار کنم؛ سکوتی که شاید  
در نظر بعضی به عنوان تردید در نصایح و پیشنهادهایم تلقی می شد.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام علاوه بر مخالفت جدی و آشکار در جریان حکمیت، مخالف فرد  
انتخاب شده برای مذاکره بود. وقتی نوبت به انتخاب حکم رسید، معاویه عمرو  
بن عاص را انتخاب کرد و نظر امام بر عبدالله بن عباس بود؛<sup>۳</sup> اما سپاهیان از جمله  
اشعث مخالفت کردند و رأی به ابوموسی اشعری دادند. امام فرمودند: «در این  
صورت هر چه می خواهید بکنید».

نویسنده مدخل بیان می دارد:

علی تلاش می کرد تا یکی از مردان مورد اعتماد را نام ببرد، ولی توسط

۱. مسعودی، علی، مروج الذهب، ۳۹۱/۲.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۳۶۲/۲-۳۶۳.

۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۲۲۹/۲.

افراد با نفوذ گروهش برای انتخاب ابوموسی اشعری زیر فشار بود (یک فرد محترم اما بی طرف).<sup>۱</sup>

خانم دکاکه از ابوموسی اشعری به عنوان «فردی بی طرف» یاد می‌کند، درحالی‌که براساس نهج البلاغه، در جریان جنگ جمل، ابوموسی اشعری مردم را از شرکت در جنگ نهی می‌کرد. این امر سبب می‌شود تا امام نامه‌ای به وی بنویسد و او را از نهی مردم برای شرکت در جنگ بر حذر دارد.<sup>۲</sup> براساس تاریخ منقری، ابوموسی به عنوان سرشناس‌ترین فرد قاعدین کوفه، در سال‌های دوران خلافت امام علیه السلام علیه آن حضرت تبلیغ می‌کرد و ایشان را در نبرد با اهل قبله بر باطل می‌دانست و در همین راستا سعی داشت در مذاکره حکمیت، خلافت عبدالله بن عمر را که اندیشه‌ای مثل خودش داشت، به عمرو عاص بقبولاند.<sup>۳</sup>

بنا بر شرح ابن ابی‌الحدید نیز، نظر ابوموسی در زمینه خلافت دو گونه نقل شده است: در نقل اول، رأی ابوموسی برکناری امام و معاویه از حکومت و واگذاری آن به عبدالله بن عمر بوده است و طبق نقل دوم، نظری برکناری امام و معاویه از حکومت و واگذاری انتخاب خلیفه به شورا بوده است.<sup>۴</sup>

ابوموسی نه تنها مورد پذیرش امام نبود، بلکه فردی ساده لوح بود که در جریان حکمیت، فریب عمرو بن عاص را خورد. وقتی زمان اعلام نظرات داوران فرا می‌رسد، نخست ابوموسی برمی‌خیزد و علی علیه السلام را از حکومت خلع می‌کند و نتیجه را به شورا وامی‌گذارد. عمرو عاص بلند می‌شود و می‌گوید: این شخص چیزی گفت که شنیدید و سالار او را همان‌گونه که او خلع کرد، خلع می‌کنم و سالار خودم معاویه را به خلافت تثبیت می‌کنم.<sup>۵</sup> به خاطر همین بی‌اعتمادی و ساده‌لوحی بود که امام فرموده بود:

1. Mc Auliffe, Jane Dammen, Encyclopedia of the Quran, Safin, 5 / 1.

۲. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغه، نامه ۶۳.

۳. منقری، نصر، وقعة صفین، ص ۵۴۲.

۴. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۲/ ۲۵۳-۲۵۶.

۵. همان.

عبدالله بن عباس را انتخاب کنید؛ چون معاویه به هرچه گره بزند وی باز می‌کند. پس عبدالله بن عباس را رودرروی عمروعاص قرار دهید.<sup>۱</sup> بنابراین ابوموسی فردی ساده لوح بود که فریب سخنان عمروعاص را خورد، اما بی طرف نبود. وی از مخالفان جنگ جمل بود که مردم را از رفتن به جنگ نهی می‌کرد و در ماجرای حکمیت نیز امام را برکنار کرد. معلوم نیست نویسنده مدخل به چه دلیل و بنا بر نظر چه کسانی معتقد به محترم بودن ابوموسی است.

#### ۴-۴. ناجوانمردانه شمردن قتل عثمان

بنی امیه می‌دانستند که قاتل عثمان یک نفر نیست و این عمل، گروهی انجام شده است و مجازات عاملان آن توسط حکومت نوپای امام علی علیه السلام، مشکلات بزرگتری را برای ایشان ایجاد خواهد کرد. این امر بهانه و دستاویزی برای معاویه شد تا بدین جهت امام را متهم کند و قتل عثمان بن عفان را ناجوانمردانه شمارد. خانم دکاکه با استناد به تاریخ طبری و وقعة صفین منقروی بیان می‌کند که در جریان حکمیت، دو ملاقات بین ابوموسی اشعری و عمروعاص، یکی در دومة الجندل، در شوال ذی القعدة سال ۳۷ قمری و دوم در أذرح، در شعبان سال ۳۸ قمری، شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد که در اولین ملاقات، داوران به توافق رسیدند که عثمان به ناحق کشته شده است. عمروعاص این داوری را به سوره اسرا، آیه ۳۳ مستند کرد و گفت: «هرکسی به ناحق کشته شود، حق را به وارثانش می‌دهیم» و حق از آن معاویه است و به عنوان خویشاوند عثمان، به وی تعلق دارد.<sup>۲</sup> استناد نویسنده مدخل بر استدلال عمروعاص به قرآن، مبنی بر کشته شدن ناجوانمردانه عثمان، نه تنها در این مدخل، بلکه در مدخل «علی بن ابی طالب» نیز بیان شده است.<sup>۳</sup> از این رو ضروری است که به علت قتل عثمان، قاتلان وی و به رفتار امام علیه السلام و معاویه پس از قتل عثمان پردازیم.

عثمان در طی حکومت خود زمین‌هایی را که به «قطاع» معروف است، به نزدیکان

۱. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغة، خطبة ۲۳۸.

2. Mc Auliffe, Jane Dammen, Encyclopedia of the Quran, «Safin», 5/1.

۳. تقی‌زاده داوری، محمود، تصویر امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام، ص ۵۷.

واقوام می بخشد. امام علی علیه السلام در روز بیعت خود با مردم در مدینه (پس از مرگ عثمان) در رابطه با قطائع می فرماید:

به خدا سوگند اگر آن (اموال غارت شده بیت المال) را بیابم که مهر زنان شده یا کنیزانی با آن خریده باشند، همه را قاطعانه به بیت المال برمی گردانم؛ زیرا در عدالت گشایش است و آن کس که عدالت برای او تنگ باشد، ظلم و ستم برای او ناگوارتر است!<sup>۱</sup>

قطائع، زمین هایی است که متعلق به بیت المال است و از آن خراج می گیرند و امام می تواند آن را به برخی از افراد رعیت واگذارد و خراج را از آنها بردارد و درصد اندکی به عوض خراج از آنها بگیرد.<sup>۲</sup> به روایت ابن عباس، امام علی علیه السلام تمام زمین هایی را که عثمان تقسیم کرده و کل اموالی را که بخشیده بود، مردود می دانست؛ چون جزء بیت المال بودند و بخشش آنها بطلان پذیر بوده است. شارحان می گویند:

عثمان زمین های بسیاری از بیت المال را بین بنی امیه و یاراناش تقسیم نمود. عمر نیز این کار را انجام می داد؛ با این تفاوت که عمر برای تشویق در جهاد و عثمان فقط به خاطر هوا و هوس این کار را نمود. به همین خاطر، امام می فرماید: به خدا سوگند، اگر به وسیله این اموال و زمین ها ازدواج کرده یا به کنیزکان خود بخشیده باشد، حتماً آنها را برخواهم گرداند. عبارت «فی العدل سعة» یعنی با عدالت زندگی مردم پایدار و با بی عدالتی نظام مختل می شود و امورات بر مردم تنگ می گردد.<sup>۳</sup>

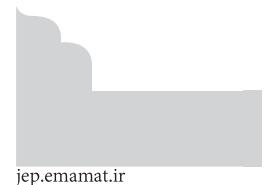
به طور قطع، بخشش از روی هوا و هوس موجب بی عدالتی و نارضایتی امت می شود. این که عثمان خانواده، خویشان و دوستانش را بردیگران ترجیح می داد و به آن از بیت المال بذل و بخشش می کرد، در خطبه ۳۰ نیز بیان شده است.

امام علیه السلام هم بذل و بخشش عثمان را نقد می کنند، هم کشته شدن عثمان توسط آحاد مردم

۱. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغه، خطبه ۱۵.

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۲۶۹/۱.

۳. خویی، حبیب الله و همکاران، منهاج البراعة، ۲۱۴/۳؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۲۶۹/۱؛ بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ۲۹۶/۱.





را. البته انگیزه قتل عثمان و شورش مردم بروی، به یکباره اتفاق نیفتاد؛ بلکه این حمله در چند مرحله بود که نهایتاً در مرحله آخر، ماجرای قتل اتفاق افتاد. بنا بر نقل طبری وقتی مردم تصمیم به قتل عثمان گرفتند، عثمان کسی را نزد امام علیه السلام فرستاد و گفت: همان طور که می دانی مردم بر من شورش کرده اند و من از قتل آنان در امان نیستم. از جانب من به سوی آنان برو و صحبت کن تا از انگیزه قتل من دست بردارند. امام فرمودند: «مردم به عدالت تو بیش از قتل تو راضی هستند». پس امام به سوی شورشیان رفتند. پس از صحبت های شورشیان با امام علیه السلام قرار بر این شد که یک مهلت سه روزه به عثمان داده شود تا اصلاحات را انجام دهد و توافق نامه ای مبنی بر انجام اصلاحات بین عثمان و شورشیان نوشته شد. اما پس از گذشت سه روز، عثمان به قولی که داده بود وفا نکرد و هیچ اصلاحی صورت نگرفت. این امر موجب تجمع دوباره مردم نزد خانه عثمان شد.<sup>۱</sup>

یکی از دلایل عدم انجام اصلاحات، دخالت مروان بود که عثمان را از این کار پیشیمان ساخت و موجب اوج گیری شورش علیه او شد.<sup>۲</sup> بنابراین عثمان به خاطر ظلم هایی که کرده بود، موجب نارضایتی و شورش عموم شد و این شورش علیه عثمان در چند مرحله انجام گرفت. در مراحل ابتدایی، امام علیه السلام به عثمان کمک کرد، ولی عثمان در انجام وفای به عهد بدقولی کرد و در نتیجه ماجرای قتل اتفاق افتاد. پس از قتل عثمان، عده ای از صحابه درخواست قصاص قاتلان عثمان را می کنند. امام می فرمایند:

چگونه می توانم (در شرایط فعلی) قدرت بر این کار را به دست آورم، حال آن که آنها هم چنان بر قدرت و شوکت خویش باقی اند و بر ما مسلط اند و ما بر آنها سلطه ای نداریم و اینها جمعیتی هستند که بردگان شما

۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ، ۴/۳۶۹-۳۷۱.

۲. تقی زاده داوری، محمود، تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام، ص ۵۸.

نیز با جوش و خروش به آنان پیوسته‌اند و اعراب بادیه‌نشین نیز به آنان ملحق شده‌اند و در میان شما قرار دارند و هرگونه بلایی که بخواهند می‌توانند بر سر شما بیاورند؟!<sup>۱</sup>

در قتل عثمان بیشتر مردم مدینه، گروهی از مصر، کوفه، بادیه‌نشینان و حتی غلامان و بردگان نیز شرکت داشتند.<sup>۲</sup> بنا بر نظر ابن ابی‌الحدید، اگر علی علیه السلام به عقوبت و مجازات قاتلان می‌پرداخت، بی‌شک فتنه‌ای دیگر و حتی بزرگ‌تر از آن اتفاق می‌افتاد.<sup>۳</sup> پس برای اجرایی کردن این امر، ابتدا باید مسائلی حل می‌شد تا سپس به ماجرای قصاص پرداخته شود. در تاریخ طبری و مصادر نهج البلاغه آمده است، بی‌شک شورشی که بر ضد عثمان به پا شد، بسیار ریشه‌دار بود؛ زیرا طرفداران عثمان، بستگان و یاران او در میان مردم مدینه کم نبودند، ولی نتوانستند در برابر آن بایستند و گروه مهاجران و انصار غالباً تماشاچی این صحنه بودند. دلیل آن هم روشن است؛ چون کمتر کسی از حکومت عثمان دلخوشی داشت.<sup>۴</sup>

وقتی عثمان بن عفان به قتل می‌رسد، معاویه که می‌دانست شناسایی قاتلان عثمان کاری سخت است، از این فرصت استفاده می‌کند و به امام تهمت شراکت در قتل را می‌زند. در یکی از نامه‌های امام به معاویه آمده است:

«وَلَعَمْرِي يَا مُعَاوِيَةَ لَئِنْ نَظَرْتُ بِعَقْلِكَ دُونَ هَوَاكَ لَتَجِدَنِي أَبْرَأَ النَّاسِ مِنْ دَمِ عُثْمَانَ وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنِّي كُنْتُ فِي عُزْلَةٍ عَنْهُ إِلَّا أَنْ تَتَجَنَّى فَتَجَنَّ مَا بَدَا لَكَ»؛ ای معاویه! به جانم سوگند اگر با نگاه عقل بنگری نه با چشم هواوهوس، مرا از همه میراتر نسبت به خون عثمان می‌یابی و خواهی دانست من به کلی از آن برکنار بودم؛ مگر این‌که در مقام تهمت برآیی و چنین نسبت ناروایی را به من بدهی. اگر چنین است

۱. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸.

۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۱۲۹/۲.

۳. همان، ۲۹۳/۹.

۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۴۴۸/۶-۴۵۰؛ ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۱۲۹/۲.

هر تهمتی می‌خواهی بزن.<sup>۱</sup>

واژه «تجنی» از «الجنایة» یعنی گناه کسی را به تونسبت دهند، درحالی‌که انجام نداده باشی.<sup>۲</sup> معاویه برای تبدیل تهمت به واقعیت، از جنگ روانی علیه امام علیه السلام استفاده می‌کند و به قدری در این امر مبالغه می‌کند که سپاهیان شام گمان می‌کنند، امام قاتل عثمان است. در آخرین مذاکره‌های بین امام و سپاه شام آمده است که معاویه قبل از شروع جنگ، حبیب بن مسلمه فهری، شرحبیل بن سمط و معن بن یزید بن اخنس را برای مذاکره نزد امام فرستاد. شرحبیل پرسید:

آیا شهادت می‌دهی که عثمان مظلوم کشته شده است؟ امام فرمودند: من نه می‌گویم مظلومانه، و نه می‌گویم ظالمانه کشته شده است. گفتند: پس کسی که گمان نمی‌کند عثمان مظلومانه کشته شده است، ما از او روی گردان هستیم. سپس بلند شدند و رفتند.<sup>۳</sup>

بدین صورت نویسنده مقاله «صفین» بدون توجه به زوایای امر، نیت معاویه، علت کشته شدن عثمان توسط گروه اکثریت، میانجیگری امام در ماجرای شورش‌ها و دعوت به صلح، فقط به بیان وقایع، آن هم به طور ناقص و به شیوه گزارشی پرداخته است. بالطبع هر خواننده‌ای، بدون داشتن مطالعات جانبی، اطلاعات درستی به دست نخواهد آورد و مقاله «صفین» خود، پایه و اساسی نادرست جهت خلق اندیشه و دانشی نادرست می‌شود.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در بررسی مقاله «صفین» در دائرةالمعارف قرآن لیدن نشان داد که نوع نگرش نویسنده، جامع، علمی و بدون پیش فرض نیست و موجب نقدهایی است که به آنها اشاره می‌شود:

۱. خانم دکا که علت شروع جنگ را جهت‌گیری دوگانه امام در مسئله خون خواهی عثمان می‌داند و مقاله وی این گمان را پیش آورده که علت شروع جنگ، عدم

۱. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغة، نامه ۶.

۲. خوئی، حبیب‌الله و همکاران، منهاج البراعة، ۱۷/۱۸۸.

۳. همان، ۱۵/۲۳۷.

قصاص قاتلان عثمان توسط امام علیه السلام است. در حالی که درخواست قصاص، بهانه‌ای بود از جانب معاویه تا به این صورت، از بیعت با امام سرباز زند؛ چون در صورت بیعت، می‌بایست فوراً شام را به امام علیه السلام تحویل می‌داد.

۲. ماریا دکاکه «به‌نیزه‌کردن قرآن‌ها توسط یاران معاویه» را به رفتار امام علیه السلام در جنگ جمل تشبیه کرده است؛ در حالی که بررسی تاریخ جنگ جمل نشان می‌دهد که امام قبل از شروع جنگ، یکی از سپاهیان خود را برای اتمام حجت و دعوت به کتاب خدا نزد اصحاب جمل فرستاده است. این عمل نه تنها در جنگ جمل، بلکه در جنگ صفین و نهروان نیز انجام شده است. نکته مهم آن که، این کار قبل از شروع جنگ بوده است، نه در انتهای جنگ و برای حيله‌گری و جلوگیری از شکست! در واقع تأمل در شروع جنگ و امید به اصلاح سپاه مقابل، از خصوصیات امام بوده است، اما معاویه اگر می‌دانست که در جنگ پیروز می‌شود، به هیچ عنوان دستور به‌نیزه‌کردن قرآن‌ها را صادر نمی‌کرد.

۳. نقدی دیگر بر مقاله «صفین»، «استفاده از لغات مبهم و دوپهلو» است. نویسنده در جایی امام علیه السلام را پیروز جنگ دانسته و در جایی دیگر پیروزی را احتمالی خوانده است. هم‌چنین امام را «بی‌میل در پذیرش حکمیت» می‌داند؛ انگار که امام آن چنان با حکمیت مخالف نبوده است؛ در حالی که واقعیت تاریخی نشان می‌دهد، امام به شدت با حکمیت مخالف بود. از سوی دیگر، شکست معاویه در جنگ از مسلمات تاریخ است و دلیلی نداشت که امام علیه السلام کوچک‌ترین میلی به حکمیت داشته باشد.

۴. نقد آخر به مدخل «صفین»، «اعتقاد به قتل ناجوانمردانه عثمان» است. این در حالی است که اولاً، عثمان در دوران حکومت خود موجب نارضایتی عموم مردم شده و اعمال ناجوانمردانه فراوانی انجام داده بود؛ به طوری که قتل وی توسط گروه زیادی از مردم عادی و نیز برخی صحابه و بزرگان انجام گرفت. ثانیاً، امام علیه السلام در ابتدای امر، برای جلوگیری از این حادثه، به عثمان پیشنهاد کمک فرمود، ولی وی نپذیرفت. ثالثاً، عثمان از معاویه درخواست کمک کرد، ولی عثمان را کمک نکرد. رابعاً، ناجوانمردانه شمردن قتل عثمان، دستاویز و جنگ روانی‌ای بود که معاویه علیه امام علیه السلام شروع کرد و بدین وسیله به امام تهمت زد. نویسنده مدخل نیز بدون جامع‌نگری و خوانش دیدگاه‌ها و اقوال متفاوت، «قتل ناجوانمردانه عثمان» را بیان می‌کند.

کتابها

قرآن کریم.

- نهج البلاغة (سخنان امیرمؤمنان علیه السلام)، گردآوری سید رضی.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل في التاريخ، دار صار، بیروت.
- ابن اعثم کوفی، احمد، کتاب الفتوح، تحقیق: علی شیری، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، الامامة والسياسة، دار الاضواء، بیروت، ۱۹۹۰ م.
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمة علیهم السلام، تحقیق: مجتبی فرجی، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۶ ق.
- استادی، رضا، کتابنامه نهج البلاغة، بنیاد نهج البلاغة، تهران، ۱۳۵۹ ش.
- بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغة، الکتاب، تهران، ۱۴۰۴ ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: عباس احسان و دیگران، مؤسسه الاعلامی للمطبوعات، بیروت.
- تقی زاده داوری، محمود، تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام، شیعه شناسی، ۱۳۸۵ ش.
- جعفری، محمد تقی، ترجمه نهج البلاغة، شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- خویی، میرزا حبیب الله و همکاران، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، مكتبة الاسلامية، تهران، ۱۴۰۰ ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، دار الکتب اسلامیه، بیروت.
- طه حسین، علی و فرزندان، ترجمه: محمد علی شیرازی، دریا، تهران، ۱۳۴۹ ش.
- فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغة، چاپ پنجم: تألیفات فیض الاسلام، تهران، ۱۳۷۹ ش.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق: یوسف اسعد داغر، دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ ق.
- مفید، محمد بن محمد، النجمل، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۷۱ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ ش.

منتظری، حسینعلی، درس‌هایی از نهج البلاغه، سرایی، تهران، ۱۳۹۷ ش.  
منقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، چاپ دوم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي، قم،  
۱۴۰۴ ق.

یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت.

## مقالات

احمدوند، عباس و کاوندی، سحر، «پژوهش‌های خاورشناسان درباره نهج البلاغه»،  
علوم حدیث، شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۷ ش.  
احمدوند، عباس و مؤمنی هزاوه، امیر، «بارتلمی دی هربلو و کتابخانه شرق او»، تاریخ و  
تمدن اسلامی، شماره پانزدهم، ۱۳۹۱ ش.  
احمدوند، عباس، «گذری بر مطالعات شیعی در غرب»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۳.  
جهادی، محمد و صابریان، علی‌رضا و کهنساری، رضا، «بررسی و نقد دیدگاه مستشرقان  
درباره فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام)»، پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۳۷، ۱۳۹۹ ش.  
قدردان قراملکی، محمدحسن، «جنگ‌های سه‌گانه امام علی (علیه‌السلام) (علل و مشروعیت  
آنها)»، معرفت، شماره ۶۵، ۱۳۸۲ ش.  
ناظمیان فرد، علی، «صفین در تاریخ‌نگاری ابن‌ابی‌الحدید»، تاریخ‌نگاری و  
تاریخ‌نگری، شماره ۱۵، ۱۳۹۴ ش.



jep.emamat.ir

۴۲۰

## منابع الکترونیک

انتشارات بریل هلند، «مشخصات دایرةالمعارف قرآن لیدن»،  
<https://brill.com/view/db/eqo>، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰.  
سایت مطالعات دینی، «بیوگرافی دکتر ماریا ماسی دکاکه و مشخصات آثار»،  
<https://religious.gmu.edu/people/mdakakem>، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰.  
انتشارات آمازون (نسخه انگلیسی)، «آثار علمی خانم دکاکه»،  
<https://www.amazon.com>، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰.  
انتشارات آمازون (نسخه هندی)، «آثار علمی خانم دکاکه»،  
<https://www.amazon.in>، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰.

## منابع انگلیسی

Mc Auliffe, Jane Dammen (2006), Encyclopedia of the Quran, Leiden.